

فاطمه(س) در روزهای آخر زندگی

محمد قاسم نصیرپور

فاطمه (علیها السلام) در روزهای آخر زندگی، «اسماء بنت عمیس» را فراخواند و فرمود:

دوست ندارم بر پیکر زن پارچه‌ای بیفکنند و اندام وی زیر آن نمایان باشد.

اسماء پاسخ داد: نه من چیزی به تو نشان خواهم داد که در حبشه دیدم سپس چند شاخه‌تر

خواست، آنها را خم کرد و پارچه‌ای بر روی آن کشید و تابوت گونه ساخت. فاطمه (علیها

السلام) فرمود: چه چیز خوبی است پیکر زن و مرد قابل تشخیص نست. ای اسماء! هنگامی

که جان دادم تو مرا غسل بده و نگذار کسی نزد جنازه من بیابد. این اولین تابوتی بود که در

اسلام ساخته شد و هنگامی که فاطمه (علیها السلام) آن را دید تبسمی کرد که تنها تبسم او

بعد از وفات پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.^(۱)

بیماری فاطمه (علیها السلام) روز بروز سخت‌تر می‌شد، فرزندان زهرا سلام الله علیها بخاطر

مادرشان بشدت نگران بودند و دل پاک علی (علیه السلام) از اندوه فاطمه سلام الله علیها در

خون نشسته بود.

روز وفات، زهرا (علیها السلام) وصایای خود را به علی علیه السلام بیان فرمود و او بشدت گریست.

فاطمه (علیها السلام) ضمن سفارش فرزندانش به علی (علیه السلام) فرمود: یا علی! مرا شبانه غسل بده، کفن کن و به خاک بسپار، آن هنگام که چشمها در خواب است.

دوست ندارم کسانی که حقم را غصب کردند به تشییع جنازه من حاضر شوند و یا بر من نماز بخوانند. (۲)

هنگامی که وفات فاطمه سلام الله علیها نزدیک شد، به «سلمی» (۳) فرمود تا مقداری آب

آورد. زهرا سلام الله علیها غسل کرد و بخوبی بدن خود را شستشو داد، لباسهای نوی خود را

خواست و آنها را پوشید؛ سپس از سلمی خواست تا رختخوابش را وسط حجره بگستراند

آنگاه رو به قبله دراز کشید؛ دستها را زیر صورت نهاد و گفت من هم اکنون قبض روح

خواهم شد. خود را پاکیزه کرده‌ام کسی مرا برهنه نکند. (۴)

پس از وفات فاطمه (علیها السلام) حسن و حسین (علیهما السلام) وارد خانه شدند و سراغ

مادرشان را گرفتند، گفتند اکنون هنگام استراحت مادر ما نیست اسماء (۵) به آنانگفت عزیزانم

مادرتان از دنیا رفت.

حسن و حسین (ع) روی جنازه مادر افتادند و آن را می‌بوسیدند و گریه می‌کردند. حسن (ع)

می‌گفت مادر جان با من سخن بگو. حسین (ع) می‌گفت مادر جان من حسین توام، قبل از

آنکه بخاطر غم فراق روح از بدنم جدا شود با من سخن بگو.

یتیمان زهرا (سلام الله علیها) به جانب مسجد شتافتند تا پدرشان را از مرگ غم انگیز مادر با

خبر کنند. وقتی خبر وفات زهرا (سلام الله علیها) به علی (ع) رسید از شدت غم و اندوه

بیتاب شد و فرمود ای دختر پیامبر (ص) تو تسلی بخش من بودی بعد از تو از که

تسلیت بجویم.^(۶)

صدای شیون یتیمان زهرا (سلام الله علیها) آوای جانسوز عزا بود که بگوش مردم مدینه رسید.

«عده‌ای از خواص بنی هاشم به درون خانه رفتند،» مردم مدینه نیز بیرون خانه اجتماع کردند و

در حالی که بشدت می‌گریستند منتظر بودند جنازه زهرا (سلام الله علیها) را از خانه بیرون

آورند تا در تشییع جنازه شرکت کنند ناگاه ابوذر از خانه خارج شد و گفت پراکنده شوید

چون تشییع جنازه به تاخیر افتاد.^(۷)

شبانگاه علی علیه السلام پیکر پاک فاطمه (سلام الله علیها) را غسل داد.^(۸)

در هنگام غسل وی اسماء نیز با علی (ع) همکار داشت.^(۹)

تنی چند از پاک مردان و رازداران اهل بیت چون سلمان فارسی، مقداد، ابوذر، عمار و حدیفه،

عبدالله بن مسعود^(۱۰)، عباس و عقیل همراه حسن و حسین و علی (سلام الله علیها) نماز

گزاردند.^(۱۱)

شبانہ فاطمه (سلام الله علیها) رادفن کردند، علی (ع) او را بخاک سپرد^(۱۲) و اجازه نداد تا

ابوبکر بر جنازه او حاضر شود^(۱۳) علی علیه السلام جایگاه زهرا (ع) را با زمین یکسان

ساخت تا مزارش شناخته نشود.^(۱۴)

و به روایتی صورت چند قبر بنا کرد تا مزار واقعی مخفی بماند.^(۱۵)

سخنان علی علیه السلام بر مزار زهرا

کلینی عالم و محدث معروف شیعی - متوفای ۳۲۸ هـ ق - می نویسد:

پس از وفات فاطمه (سلام الله علیها)، علی (ع) او را پنهان به خاک سپرد و جای قبرش را

ناپدید کرد، سپس برخاست روبه مزار رسول خدا (ص) کرد و گفت:

سلام بر تو یا رسول خدا (ص)! از من و از دخترت که به دیدار تو آمده و اکنون در کنارت

زیر خاک خفته است، خداوند چنین خواسته که او زودتر از دیگران به تو ملحق شود.

ای پیامبر خدا (ص)! شکیبائی ام از فراق محبوبه ات بپایان رسیده، و خویشتن داریم بخاطر

جدایی سرور زنان عالم از دست رفته است. اما چه چاره جز آنکه طبق سنت تو بر مصائب

صبر کنم، آنچنان که در مصیبت جدائیت صبر نمودم. من سرت را در آرامگاهت نهادم و تو

بر روی سینه من جای دادی «همه از خدائیم و به سوی خدا باز خواهیم گشت» همانا

امانت به صاحبش رسید و گروگان دریافت گشت و زهرا (سلام الله علیها) از دستم گرفته شد.

ای رسول خدا (ص) پس از او آسمان و زمین در منظر نگاهم زشت می نماید.

اندوهم جاودانه شد و شبم در بیخوابی می گذرد و غم پیوسته در دل است تا خدا مرا در جوار

تو ساکن گرداند.

غصه ای دارم که از شدتش دل به خون نشسته و اندوهی دارم بهت آور چه زود جمع ما را به

پیشانی کشانید و میان ما جدائی افکند تنها بسوی خداوند شکایت می برم به همین زودی

دخترت از همدست شدن امتت بر ربودن حقش به تو خبر خواهد داد، همه سرگذشت را از او

پرس و گزارش را از او بخواه، چه بسا درد دلهایی که چون آتش در سینه اش می جوشید و در

دنیا راهی برای گفتن و شرح دادن آن نیافت او هم اکنون می گوید و خداوند هم داوری

می کند و او بهترین داورانست سلام بر شما سلام وداع کننده که نه خشمگین است و نه دلتنگ

اگر می روم بخاطر دلتنگیم نیست و اگر بمانم بخاطر بدگمانیم به خدا از آنچه به صابران وعده

داده نباشد.

آه، آه صبر آرام بخش و زیباست و اگر بیم چیرگی ستمکاران بود برای همیشه چون معتکفان
در اینجا می ماندم و چون فرزند مرده شیون سرمی دام و سیل آسا می گریستم خدا گواهدست که
دخترت پنهان بخاک سپرده می شود در حالی که حقش غصب شد و از ارثش محروم گشت.
با اینکه هنوز روزی چند از وفات نگذشته بود و بر خاطره‌ها از یادت غبار کهنگی ننشسته
بود.

ای رسول خدا (ص) ! دل را به یاد تو آرام میدارم درود خدا بر تو و سلام و رضوان خدا بر
فاطمه (سلام الله علیها) باد». (۱۶)

از فراق فاطمه (علیها السلام) علی (علیه السلام) بشدت اندوهگین بود، رنج و اندوه علی
(ع) در سخنان از دل برآمده‌ای که در کنار مزار زهرا (سلام الله علیها) گفت هویدا است. گاه
نیز سوز دل خود را در مرثیه‌هایی که می سرود و یازمزمه می کرد نشان می داد. در دیوانی که
منسوب به امیرالمومنین (ع) است شعری با نوزده بیت آمده که علی (ع) آنرا بر مزار فاطمه
زهرا (علیها السلام) سروده است. (۱۷)

اما ابوالعباس مبرد - متوفای ۲۸۵ هـ - دو بیت از آن شعرها را با اندکی تفاوت ذکر کرد. و
گوید علی (ع) به این اشعار تمثل جست.

لكل اجتماع من خليلين فرقه و كل الذی دون الممات قليل و ان افتقادی واحدا بعد واحد دلیل

علی ان لایدوم خلیل^(۱۸)

جمع هر دو دوستی را عاقبت فراق و پریشانی است و هر چیز جز مرگ ناچیز است و اینکه من

دوستی را پس از دوست دیگر از دست می‌دهم نشان آن است که هیچ دوستی جاوید نمی‌ماند.

در جستجوی مزار فاطمه (س)

و لای الامور تدفن سرا بضعة المصطفی و یعنی تراها «پاره تن مصطفی چرا پنهان بخاک سپرده

شد و مزارش پنهان ماند»؟

بدون هیچ تردیدی پس از دفن شبانه و مخفیانه زهرا (ع) مزارش نیز پنهان داشته شد. اما چرا

بایستی در شهر پیامبر (ص) مزار تنها دخترش که به فاصله کوتاهی از او به دیدار خدا شتافت

مخفی بماند؟ چرا نباید آنگونه که شایسته مقام اوست انبوه مردم در عزای او و تشییع

جنازه‌اش شرکت کنند و بر او نماز بگذارند و دفنش نمایند؟ آیا اینها بخاطر اجرای وصیت

زهرا (ع) نبود؟ از این رو آن روزها کسی بدرستی جایگاه مزار فاطمه (ع) را نمی‌دانست و

اگر کسی از علی (ع) سراغ مزار فاطمه (ع) را می‌گرفت به احتمال قوی پاسخش به سکوت

برگزار می‌شد.

سکوتی که در آن هزاران نکته اعتراض آمیز نهفته بود زیرا علی (ع) سعی و اصرار فراوان در

پنهان داشتن مزار زهرا (ع) داشت بدین خاطر جایگاه مزار فاطمه را با زمین یکسان کرد آنگاه

صورت هفت قبر^(۱۹) و یا چهل قبر در بقیع ترتیب داد و هنگامی که مردم به بقیع رفتند

صورت چهل قبر را دیدند از این روشناخت مزار فاطمه (ع) بر آنان مشکل افتاد.^(۲۰)

طبری در دلایل الامامه می نویسد آن روز صبح می خواستد زنها را ببرند که قبرها رانبش کنند و

جنازه زهرا (ع) را از قبر بیرون آوردند و بر آن نماز بخوانند اما با تهدید علی (ع) منصرف

شدند.^(۲۱)

با این وجود در مورد مزار فاطمه زهرا (ع) چهار قول وجود دارد:

۱- برخی مزار فاطمه (ع) را در بقیع می دانند از جمله اربلی در کشف الغمه و سید مرتضی در

عیون المعجزات^(۲۲) اهل سنت نیز عموماً بر این باورند آنان مزاری را که در کنار مزار چهار

امام (ع) وجود دارد مزار فاطمه دختر رسول خدا (ص) می دانند.^(۲۳)

۲- برخی چون ابن سعد و ابن جوزی گویند فاطمه (سلام الله علیها) را در خانه عقیل دفن

نموده اند.^(۲۴)

۳- برخی مزار فاطمه (سلام الله علیها) را در روضه پیامبر (ص) می دانند.

۴- عده‌ای گویند فاطمه (ع) را در خانه‌اش دفن نمودند که قرائن، روایات و اقوال زیادی این قول را تایید می‌کند که عبارتند از:

۱- هیچ دلیلی نداشت که علی (ع) فاطمه زهرا (ع) را در جوار پیامبر (ص) به خاک نسپارد زیرا خانه فاطمه (ع) در کنار خانه رسول خدا (ص) بود و بنابراین خانه فاطمه فضیلت بیشتری نسبت به بقیع داشت آنگونه که حتی بعدها ابوبکر و عمر هم هنگام مرگشان وصیت کردند در جوار پیامبر (صلی الله علیه و آله) دفن شوند. امام حسن مجتبی (ع) هم هنگام شهادت وصیت نمود کنار جدش بخاک سپرده شود که متأسفانه اهل بیت (ع) هنگام اجرای وصیت با مخالفت برخی روبرو شدند. (۲۵)

و از این رو حضرت را در کنار جده‌اش «فاطمه بنت اسد» بخاک سپردند. (۲۶)

در اینجا روشن می‌شود: اول آنکه اهل بیت تاکید داشتند تا در کنار پیامبر (ص) به خاک سپرده شوند و دوم امام حسن (علیه السلام) کنار مزار فاطمه بنت اسد دفن گردید بنابراین مزاری که در بقیع در کنار مزار چهار امام (علیهم السلام) قرار دارد مزار فاطمه بنت اسد است نه مزار فاطمه زهراء (ع)!

۲- هر چند دفن فاطمه (ع) شبانه صورت گرفت اما با توجه با بافت شهری مدینه در آن زمان انتقال فاطمه (ع) از خانه‌اش به بقیع و عبور از کوچه‌های تنگ و از جلوی خانه‌های کوچکی

که به سبک روستاها غالباً حیاطی هم نداشتند چندان آسان نمی‌نماید زیرا کافی است تنها در این مسیر چشمی بیدار باشد و یا بیدار شود و همه نقشه‌ها بر باد رود.

۳- سخن علی (ع) بر مزار فاطمه (ع) که پس از دفن او برخاست و رو به قبر پیامبر (ص) کرد و فرمود «السلام عليك يا رسول الله عنى و عن ابنتك النازلة فى جوارك»^(۲۷) یعنی: سلام بر تو ای رسول خدا (ص) از من و از دختری که در جوار تو فرود آمده.

و طبق نقل کلینی: «السلام عليك عنى و عن ابنتك و زائرک و البائنة فى الثرى ببقعتک»^(۲۸) یعنی: ای رسول خدا (ص)! از من و دختری که به دیدار تو آمده و در کنارت که زیر خاک آرمیده درورد باد.

از هر دو عبارت کافی و نهج البلاغه چنین استفاده می‌شود که علی (ع) پس از دفن فاطمه (ع) رو به قبر پیامبر (ص) کرد. بنابراین معلوم می‌شود قبر شریف نبوی (ص) در پیش روی او بود، و اگر علی (ع) در بقیع بود بایستی رو به سوی قبر حضرت می‌کرد نه رو به قبر شریف پیامبر. دیگر اینکه به تصریح ذکر شده که فاطمه (ع) در جوار پیامبر (ص) و در کنار او به خاک سپرده شده است.

۴- شیخ صدوق ابن بابویه عالم بزرگ شیعه - متوفای ۳۸۹ هـ - گوید: برایم ثابت شده که فاطمه (ع) رادر خانه‌اش دفن نمودند، پس از آنکه مسجد را توسعه دادند قبر فاطمه (ع) در

مسجد واقع شد. من سالی که به سفر حج رفتم در مدینه رو به سوی خانه فاطمه (ع) که از اسطوانه روبروی باب جبرئیل تا پشت حظیره مرقد نبوی است نمودم و در آنجا زیارت فاطمه را به جا آوردم. (۲۹)

گروهی دیگر از علماء نظیر علامه حلی و علامه مجلسی معتقدند که فاطمه (ع) را در خانه اش دفن نمودند. (۳۰)

۵- شیخ طوسی - متوفای ۴۶۰ ق - گوید صحیح آن است که فاطمه (ع) در خانه اش یا روضه پیامبر (ص) دفن گردید، زیرا دیش شریف پیامبر (ص) این مطلب را تایید می کند که فرمود: «ما بین قبری و منبری روضه من ریاض الجنه» بین قبر و منبرم باغی از گلشن های بهشت است. (۳۱)

در صورتی که مکان روضه را وسیعتر بدانیم قول شیخ طوسی نیز قابل قبول است و گرنه خانه فاطمه (ع) ما بین قبر و منبر پیامبر (ص) نبوده است بلکه پایین قبر پیامبر (ص) قرار داشته است.

۶- در سال ۸۸۶ ق بدنبال آتش سوزی در مسجد نبوی در مدینه سمهودی تاریخ نگار و مدینه شناس معروف که از علویان مصری ساکن مدینه بود ماموریت نظارت بر تعمیرات را به عهده گرفت از این رو به مقصوره قدم نهاد تا به کار خویش پردازد در هنگام تعمیر قبری در زیر

کف اطاق حضرت فاطمه (علیها السلام) پیدا شد که باید قبر فاطمه (ع) دختر پیامبر (ص) باشد. (۳۲)

۷- وجود مزار شریف فاطمه (ع) در حجره‌اش معروف و مشهور بوده زیرا به عهد سمهودی خدام حرم شریف نبوی (ص) مردم را هنگام زیارت مردم را راهنمای می‌کردند تا جلو حجره فاطمه (ع) قدری از کنار ضریح پیامبر (ص) فاصله گیرند مبادا پا بر مزار فاطمه (ع) نهند. زیرا می‌دانستند که بنا بر یکی از اقوال آنجا مزار فاطمه (ع) است. (۳۳)

۸- مردی از امام جعفر صادق (ع) مکان مزار فاطمه (ع) را سؤال نمود حضرت فرمود: «در خانه‌اش دفن شد». (۳۴)

۹- به موجب روایتی که معتبرترین کتب شیعه نظیر اصول کافی، عیون اخبار الرضا، مناقب و دیگر کتابها آن را نقل کرده‌اند: مردی از حضرت رضا (ع) مکان قبر فاطمه (ع) را پرسید حضرت فرمود فاطمه (ع) را در خانه‌اش دفن نمودند بعد از آنکه بنی امیه مسجد را توسعه دادند قبر فاطمه (ع) در مسجد واقع شد. (۳۵)

۱۰- مردی بنام ابراهیم بن محمد همدانی نامه‌ای به امام علی النقی نوشت و از حضرت محل دفن فاطمه (ع) را سؤال کرد. امام در پاسخ وی نوشت او را کنار جدم رسول خدا (ص) بخاک سپردند. (۳۶)

بنابراین با توجه به دلالتی که ذکر شد جای تردید باقی نمی‌ماند که فاطمه زهرا (علیها السلام) در خانه‌اش دفن گردید بخصوص که ائمه علیهم السلام نیز این موضوع را با صراحت بیان فرموده‌اند و به یقین فرزندان بهتر جای قبر مادرشان را می‌دانند و اهل خانه از درون خانه بهتر خبر دارند اگر فاطمه (سلام الله علیها) دستور ساختن نعش را به اسماء می‌دهد نه برای این است که جسد او را می‌خواستند جابجا کنند بلکه بدین جهت است که چند تنی که بر او نماز می‌گزارند پیکرش را نبینند و اگر علی (ع) صورت قبرهای در بقیع بنا می‌کند بدان خاطر است تا مزارهای واقعی در آن مقطع خاص زمانی مخفی بماند و اگر با کسانی که قصد شکافتن آن قبرهای غیر واقعی را دارند به مقابله جدی برمی‌خیزد بدان خاطر است که اگر آن شبهه قبرها شکافته شود بر آنان تردیدی نخواهد ماند که فاطمه در خانه‌اش به خاک سپرده شده و هر چند علی (ع) مزار فاطمه را با زمین یکسان قرار داده بود اما کنجاویها راز نهفته را آشکار می‌کرد. بعد از گذشت آن دوران خاص دیگر پنهان داشتن مزار دلیل خاص نداشت و از این رو فرزندان فاطمه (ع) یعنی حضرت امام جعفر صادق امام رضا و امام علی النقی (که درود خدا بر آنان باد) با صراحت فرمودند که مزار فاطمه (علیها لاسلام) در خانه‌اش می‌باشد و در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) بخاک سپرده شده است. اکنون تنها پاسخ به این سوال باقی است که مکان حجره فاطمه زهراء (علیها السلام) در مسجد نبوی کجاست؟

در پاسخ به این سوال مورخ کبیر اهل سنت شیخ محمود بن محمد النجار در کتابش الدرۃ الثمینة فی اخبار المدینة چنین می نویسد: قبر فاطمه رضی الله عنها در خانه اوست که عمر بن عبد العزیز آن را ضمیمه مسجد کرد خانه او امروز داخل مقصوره و پشت حجره پیامبر (ص) است و در آن محرابی قرار دارد. همچنین قبر پیامبر (ص) و سائر حجرات همسرانش در مسجد قرار دارد. (۳۷)

تاریخ وفات

در تاریخ وفات حضرت زهرا (ع) نیز اختلاف است عده‌ای از علماء شیعه و سنی وفات فامه زهرا (ع) را ۷۵ روز^(۳۸) و عده‌ای ۹۵ روز بعد از وفات پیامبر (ص) می‌دانند. (۳۹)

یکی از مواردی که موجب اختلاف شده این است که در خط کوفی تقطه گذاری وجود نداشته است. و از این رو خمس و سبعون (۷۵ روز) و خمس و تسعون (۹۵ روز) هر دو یکسان نوشته می‌شده که در خواندن و قرائت آن اشتباه پیش آمده است.

با توجه به اینکه وفات پیامبر (ص) در روز دوشنبه ۲۸ صفر سال یازدهم هجری قمری مطابق ۷ خرداد سال ۱۱ ه.ش اتفاق افتاد بنا بر گفته اول (۷۵ روز) تاریخ وفات فاطمه (ع) ۱۳ جمادی الاولی سال یازدهم ه.ق مطابق هفدهم مردادماه سال ۱۱ هجری شمسی و بنا بر گفته دوم (۹۵ روز) تاریخ ۳ جمادی الاخر سال ۱۱ ه.ق مطابق با ششم شهریور سال ۱۱ هجری

شمی می‌باشد البته گفته‌های دیگر در تاریخ وفات حضرت زهرا هست اما فاصله ۷۵ روز یا ۹۵ روز با نظر اهل بیت (ع) هماهنگ است از این رو ما را با دیگر گفته‌ها کاری نیست. با توجه به قرائنی چند آنچه صحیح‌تر می‌نماید ۹۵ روز است.^(۴۰)

پی‌نوشت‌ها:

۱. طبقات ج ۸ ص ۱۸ - سنن بیهقی ج ۴ ص ۳۴ - ذخائر العقبی ص ۵۳ - بحار الانوار ج

۴۳ ص ۱۸۹.

۲. بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۹۲.

۳. سلمی همسر ابی رافع کنیز پیامبر (ص) بود که حضرت وی را آزاد فرموده بود بعدها

افتخار خدمتگزاری به فاطمه را یافات و به خاطر تشابه اسمیش به اسماء برخی تاریخ نگاران

این جریان را به اسماء نسبت داده‌اند ر.ک. به پاورقی ج ۴۳ ص ۱۸۱ بحار الانوار.

۴. مسند الامام احمد بن حنبل ج ۶ ص ۱۶۳ - حلیة الاولیاء ج ۲ ص ۴۳ - ذخائر العقبی ص

۴۳ - اسدالغابه ج ۵ ص ۵۹۰ - امالی مفید ص ۱۷۲.

۵. شاید هم خود سلمی!

۶. بحار الاوار ج ۴۳ ص ۱۸۶.

۷. بحار الاوار ج ۴۳ ص ۱۹۲.

۸. طبقات ابن سعد ج ۸ ص ۱۸.

۹. كشف الغمه بحار الانوار ج ۳ ص ۱۸۵ و ۱۸۹ و ۱۸۴.

۱۰. تفسير فرات بن ابراهيم ص ۲۱۵ - رجال كشي ص ۴ - اختصاص ص ۵.

۱۱. بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۸۳.

۱۲. طبقات ج ۸ ص ۱۸.

۱۳. انساب الاشراف.

۱۴. بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۹۳.

۱۵. دلائل الامامه ص ۴۶.

۱۶. اصول كافي ج ۱ ص ۴۵۸ - كشف الغمه - دلائل الامامه ص ۴۷ امالي مفيد ص ۱۶۵ -

در نهج البلاغه بطور خلاصه تر ياد شده خطبه ۱۹۴ نهج البلاغه فيض ص ۶۵۱ شرح نهج

البلاغه ابن ابى الحديد ج ۱۰ ص ۲۶۵.

۱۷. بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۱۶.

۱۸. كامل ابوالعباس مبرد ج ۴ ص ۳۰.

۱۹. بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۸۲.

٢٠. دلائل الامامه ص ٤٦.

٢١. دلائل الامامه ص ٤٦.

٢٢. كشف الغمه عيون المعجزات ص ٤٧.

٢٣. نگاه كنيد به تصاوير شماره ٨ و ٧.

٢٤. طبقات ج ٨ ص ٢٠ تذكرة الخواص.

٢٥. مقاتل الطالبين ص ٤٨ و ٤٩ - كشف الغمه ج ١ ص ٥٨٦ - تاريخ يعقوبى ج ٢ ص -

٢٥٥ شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد ج ١٦ ص ١٤.

٢٦. كشف الغمه ج ١ ص ٥٨٦ مناقب ابن شهر آشوب ج ٤ ص ٤٤ ارشاد مفيد ص ١٩٢ -

فتوح ابن اعثم ج ٤، ص ٢٠٨.

٢٧. نهج البلاغه فيض ص ٦٥٢ - خطبه ١٩٥.

٢٨. اصول كافى ج ١ ص ٤٥٨.

٢٩. من لا يحضره الفقيه ج ٢ ص ٣٤١.

٣٠. بحار الانوار ج ٤٣ ص ١٨٨ - منتقى علامه حلى - مرآة العقول ج ١ ص ٣٩.

٣١. بحار الانوار ج ٤٣ ص ١٨٥.

٣٢. مكه مكرمه مدينه منوره ص ١٦٠.

٣٣. وفاء الوفاء ج ٢ ص ٤٦٩ و ص ٩٠٦.

٣٤. قرب الاسناد ص ١٦١ - بحار الانوار ج ١٠ ص ١٩٢.

٣٥. دفنت في بيتها فلما زادت بنو امية في المسجد صارت في المسجد». اصول كافي ج

١ ص ٤٦١ عيون اخبار الرضا ج ١ ص ٣١١ مناقب ابن شهر آشوب ج ٣ ١٣٩ مرة العقول ج

٥ ص ٣٤٩ - معاني الاخبار ص ٢٦٨.

٣٦. رياحين الشريعة ج ٢ ص ٩٣.

٣٧. الدرّة الثمينه في اخبار المدينه ص ٣٥٩ و ٣٦٠ نگاه كنيد به تصوير شماره ٩.

٣٨. اصول كافي ج ١ ص ٤٥٨ الامامه و السياسه ج ١ ص ٢٠ دلائل الامامه ص ٤٥ كشف

الغمه.

٣٩. روايتي از امام باقر (ع).

٤٠. ر. ك به مصباح المتهدج ص ٧٣٢ مصباح كفعمي ص ٥١١ اقبال سيد بن طاوس ص

٦٢٣ - دلائل الامامة ص ٤٥ بحار الانوار ج ٤٣ ص ١٧٠ و ١٨٠ - منتخب التواريخ ص ١٠٢

منتهى الامال ص ٩٩.

معرفی کوتاهی در باره کوثر النبوی

نام پدر فاطمه (س) محمد بن عبدالله (صلی الله علیه واله وسلم) رسول گرامی اسلام است. در فخر و شرافت او همین بس که او خاتم پیامبران الهی و برترین مخلوق خداوند می باشد. مادر حضرتش خدیجه دختر خولید از زنان ثروتمند و از اشراف قریش بوده است و تمامی ثروت و دارائی خود را در خدمت به اسلام و ترویج آن مصرف نمود و به هنگام مرگ حتی کفن نیز نداشت. او در دوران جاهلیت و دوران پیش از اسلام نیز به پاکدامنیش مشهور بود تا جائی که از او به طاهره (پاکیزه) یاد می شد خدیجه نخستین زنی است که به اسلام گروید.

فاطمه (علیها السلام) در سال پنجم پس از بعثت (بنا بر مشهور) و در روز ۲۰ جمادی الثانی در مکه به دنیا آمد. چون به دنیا پانهاد به قدرت الهی و نیروی ربانی لب به سخن گشود: و گفت شهادت می دهم که جز خدا الهی نیست و پدرم رسول خدا و آقای پیامبران است و شوهرم سرور اوصیاء فرزندانم (دو فرزندم) سرور نوادگان می باشند. اکثر مفسران شیعی و عده ای از مفسران اهل تسنن نظیر فخر رازی آیه آغازین سوره کوثر را با فاطمه (علیها السلام) تطبیق نموده اند و او را خیر کثیر و باعث گسترش نسل پیامبر ذکر نموده اند. و آیه

انتهایی این نیز قرنیه خوبی براین مدعاست که در آن خداوند به پیامبر خطاب می کند و می

فرماید همانا دشمن تو ابتر و بدون نسل است

• فهرست غم •

دل بی سوز و گداز از غم زهرا دل نیست

دل اگر نشکند از ماتم او، جز گل نیست

خون و اشک از دل و از دیده ما می جوشد

فاطمه صورت خود را ز علی می پوشد

عمر کوتاه تو، ای فاطمه فهرست غم است

قبر پنهان تو روشنگر اوج ستم است

رفتی، اما ز تو منظومه غم بر جا ماند

با دل خسته و بشکسته علی تنها ماند

اثر دست ستم از رخ نیلی نرود

هرگز از یاد علی، ضربت سیلی نرود

با علی راز نگفتی تو زیازوی کی بود

با پدرگوی که بعد از تو چه بود و چه نبود

شهر اگر شهر تو، پس حمله به آن خانه چرا

مرگ جانسوز چرا؟ دفن غریبانه چرا؟

داغ ما آتش و میخ در و سینه است هنوز

مدفن گمشده در شهر مدینه است هنوز

سنت دفن شبانه ز تو باقی مانده است هنوز

• بخشی از خطبه زهرا (س) •

قالت فاطمه الزهراء (س) فی خطبتها المعروفة :

- جعل الله ايمان تطهيرا لكم من الشرك

- والصلوة تنزيها لكم من الكبر

- والزكاة تزكية للنفس و نماء في الرزق

- والصيام تثبيتا للاخلاص

- والحج تشييدا للدين

- والعدل تنسيفا للقلوب
- واطاعتنا نظاما للمله
- و امامتنا امانا للفرقه
- والجهد عزا للاسلام
- والصبر معونه على استيجاب الاجر
- والامر بالمعروف مصلحه للعامه
- و بر الوالدين وقايه من السخط
- وصله الارحام منهاه للعدد
- والقصاص حقنا للدماء
- والوفاء بالنذر تعريضا للمغفره
- وتوفيه المكاييل و الموازين تغييرا للبخس
- والنهى عن شرب الخمر تنزيها عن الرجس
- واجتناب القذف حجابا عن اللعنه
- و حرم الشرك اخلاصا له بالربوبيه
- و ترك السرقة ايجابا للعهه
- فاتقوا الله حق تقاته و لاتموتن الا و انتم مسلمون

- واطيعوا الله فيما امركم به و نهاكم عنه

- فانه انما يخشى الله من عباده العلماء

حضرت زهرا(س) در آن سخنزانی معروفش در مسجد فرمود:

خداوند ایمان را برای تطهیر شما از شرک قرار داد،

و نماز را برای پاک شدن شما از تکبر،

و زکات را برای پاک کردن جان و افزونی رزقتان،

و روزه را برای تثبیت اخلاص،

و حج را برای قوت بخشیدن دین ،

و عدل را برای پیراستن دلها،

و اطاعت ما را برای نظم یافتن ملت،

و امامت ما را برای در امان ماندن از تفرقه،

و جهاد را برای عزت اسلام،

و صبر را برای کمک در استحقاق مزد،

و امر به معروف را برای مصلحت و منافع همگانی ،

و نیکی کردن به پدر و مادر را سپر نگهداری از خشم ،

وصله ارحام را وسیله ازدیاد نفرات،

و قصاص را وسیله حفظ خونها،

و وفای به نذر را برای در معرض مغفرت قرار گرفتن ،

و به اندازه دادن ترازو و پیمانہ را برای تغییر خوی کم فروشی،

و نهی از شرابخواری را برای پاکیزگی از پلیدی ،

و دوری از تهمت را برای محفوظ ماندن از لعنت،

و ترک سرقت را برای الزام به پاکدامنی ،

و شرک را حرام کرد برای اخلاص به پروردگاری او ،

بنابراین ، از خدا آن گونه که شایسته است بترسید و نمیرید، مگر آن که مسلمان باشید،

و خدا را در آنچه به آن امر کرده و آنچه از آن بازتان داشته است اطاعت کنید، زیرا که ((از

بندگانش ، فقط آگاهان، از خدا می ترسند.)) (سوره فاطر آیه ۲۸)

«بیت الاحزان»

((اشهد ان فاطمة بنت رسول الله عصمة الله الكبرى وحجة الله على الحجج)).

حضرت فاطمه نه اشکش می خشکید و نه ناله اش فرو می نشست. لذا گروهی از بزرگان مدینه خدمت حضرت علی (ع) آمده عرضه داشتند: ای ابوالحسن، فاطمه (س) شب و روز گریه می کند و ما نه شبها خواب و آرام و خوشی داریم و نه روزها به هنگام کار و فعالیت آسایش خاطر. خدمت شما رسیده ایم تا بگوییم که از فاطمه (س) بخواهید یا شب گریه کند یا روز.

حضرت علی بن ابیطالب (ع) در پاسخشان فرمود: «پیغامتان را به او می رسانم». سپس به خانه نزد حضرت فاطمه (س) که همچنان به عزاداری مشغول بودند تشریف آوردند. چون حضرت فاطمه (س) متوجه حضور مولا (ع) شدند، برای آسایش و راحتی ایشان اندکی سکوت اختیار کردند. امام (ع) به ایشان فرمودند: «ای دخت پیامبر خدا! بزرگان مدینه از من خواسته اند که از تو تقاضا کنم یا شب گریه کنی یا روز». حضرت فاطمه (س) عرضه داشتند: «ای ابوالحسن! زندگی و ماندن من در میان اینان بس کوتاه خواهد بود و به زودی از میانتان غروب خواهم کرد. به خدا سوگند، نه شب ساکت می مانم نه روز تا این که به پدرم رسول خدا (ص) پیوندم.»

امیرالمومنین (ع) فرمودند: «ای دخت رسول خدا! هرآنچه خواهی بکن.» سپس حضرت علی (ع) دور از شهر مدینه، در بقیع اتاقی برای حضرت فاطمه (س) برپا داشتند که «بیت الاحزان» نام گرفت. حضرت زهرا هر روز صبح امام حسن و امام حسین علیهما

السلام را جلو انداخته، گریه کنان به بقیع و محل «بیت الاحزان» می‌رفتند و تا شب میان قبرها

به گریه و زاری می‌پرداختند. شب هنگام، امام علیه السلام تشریف آورده آنان را به منزل باز

می‌گرداندند.

بیت الاحزان، حاج شیخ عباس قمی (ره

والسلام./.